

پیشگفتار مؤلف

از آغاز شکل‌گیری روان‌شناسی به عنوان یک رشته مستقل، مؤلفان کتابهای درسی روان‌شناسی مقدماتی با نیاز به انتقال یک رشته یا حوزه وسیع به دانشجویان در قالب کتابی با حجم معقول مواجه بوده‌اند. برای تحقق آنچه من از ابتدا نیت آن را داشتم، حجم این کتاب ممکن بود دو برابر آنچه فعلاً هست شود. یک قرن پیش، ویلیام جیمز به خاطر دلخوری از حجم کتاب اصول روان‌شناسی خود که اکنون کتابی کلاسیک محسوب می‌شود، اقدام به واریسی نیشدار آن نمود. وی آن را «توده‌ای متورم و پف کرده» نامید. اگرچه ممکن است این اظهارنظر در خلال یکی از دوره‌های افسردگی مکررش بیان شده باشد، اما بیانگر چالشی است که در راه تلفیق حجم انبوهی از اطلاعات وجود دارد. با توجه به اینکه روان‌شناسی به حوزه‌ای گسترده‌تر تبدیل شده و حجم عظیمی از اطلاعات پایه را انباشته است، من به سرعت متوجه شدم که برای اجتناب از فراهم آوردن کتابی حجیم یا آنچه بررسی‌کنندگان کتاب اغلب احتمالاً به درستی به آن اشاره می‌کنند، (یعنی نوعی کتاب «دانشنامه‌مانند») می‌بایستی تقریباً هفت هدف منطقی را دنبال نمایم. دستیابی به هر یک از این اهداف فقط از طریق لحاظ نمودن هر یک در ارتباط با دیگر اهداف امکان‌پذیر است.

هفت هدف موردنظر

1. رعایت اعتدال در برخورد با گستردگی روان‌شناسی

دانشجویان اغلب نسبت به گستردگی روان‌شناسی دچار حیرت و تعجب‌اند. یک روان‌شناس ممکن است زندگی حرفه‌ای خود را به مطالعه و بررسی رابطه بین فعالیت مغز و روان‌گسیختگی اختصاص دهد؛ دیگری ممکن است به بررسی عوامل اجتماعی تقویت‌کننده عشق و دوستی بپردازد. و در حالی که یک عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی به مطالعه تواناییهای ادراکی نوزادان می‌پردازد، روان‌شناس دیگری ممکن است به بررسی تواناییهای زبانی شمشپانزه‌ها بپردازد. به خاطر این گستردگی، من ناگزیر بودم که در انتخاب موضوعات، بررسیها و مفاهیمی که در این کتاب به کار برده شده‌اند به صورت گزینشی عمل نمایم. با وجود این، بر این باورم که این کتاب بیانگر نمونه مناسبی از این علم است.

2. ارائه کافی و غیرافراطی جزئیات

در این زمینه نیز لازم بود نوعی تعادل برقرار شود. من هم به عنوان معلم و هم دانشجو مخالف کتابهایی بوده‌ام که از نظر پرداختن به جزئیات دچار افراط و تفریط‌اند. در یک سو کتابهایی قرار دارند که موضوعات بسیار زیادی را مطرح می‌کنند، اما به طور سطحی به آنها می‌پردازند. در آن سوی طیف، کتابهایی وجود دارند که موضوعات محدودی را مطرح می‌کنند، اما با ارائه جزئیات بسیار زیاد خواننده را کلافه می‌کنند. اگرچه مباحثی که برای هر موضوع مطرح کرده‌ام معمولاً از نظر گستردگی تا حدودی متفاوت‌اند، اما برای هر موضوع به اندازه‌ای اطلاعات ارائه شده است که اطمینان حاصل شود دانشجو مطالب را درک می‌کند و در عین حال امکان پوشش دادن به تعداد بسنده‌ای از موضوعات فراهم شده است تا اطمینان حاصل شود که مطالب ارائه شده بیانگر کلیت این رشته‌اند.

3. کمک به درک و باور فرایند پژوهش

مطالب یک کتاب درسی روان‌شناسی باید فراتر از ارائه صرف نظریه‌ها و یافته‌های پژوهشی باشد. کتاب درسی

روان‌شناسی باید «چگونه فهمیدن» و «چه چیزی فهمیدن» را نیز مورد بحث و بررسی قرار دهد. برای آنکه دانشجویان زمینه ذهنی کافی جهت درک فرایند پژوهش را داشته باشند، در فصل دوم، تحت عنوان روان‌شناسی به عنوان علم، روشهای پژوهشی روان‌شناختی و تجزیه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش ارائه شده است. برای کمک به درک دانشجویان از فرایند پژوهش، در سراسر کتاب سعی شده است با پرداختن به جزئیات مطالعات پژوهشی در حد اعتدال، نوعی توازن رعایت شود.

4. تقویت تفکر انتقادی

به تصور من، دانشجویان باید قادر به درک روش علمی، یافته‌های پژوهشی و چگونگی ارزیابی انتقادی آنچه مطالعه می‌کنند باشند و این کار از طریق اتکا به ارزیابی منطقی و عینی شواهد تجربی امکان‌پذیر است. در فصل دوم، مراحل رسمی تفکر انتقادی شرح داده شده است. دانشجویان فرامی‌گیرند که نقادانه اندیشیدن، در زندگی روزمره و به هنگام مواجهه با ادعاهای مطرح شده توسط دوستان، بستگان، سیاستمداران، مبلغان کالا و خدمات یا هر فرد دیگری، برای آنان سودمند است. تقریباً در هر صفحه از این کتاب برای دانشجویان فرصتی فراهم می‌شود تا به ادعاهای عامیانه ببینند، تبیینهای متفاوتی را برای یافته‌های پژوهشی مطرح نمایند یا به معانی ضمنی یافته‌های پژوهشی فکر کنند.

5. مطرح کردن روان‌شناسی در زمینه و بستر مربوطه

در مقاله‌ای که در نشریه روان‌شناسان آمریکایی به چاپ رسیده است و موضوع آن روان‌شناسی و برنامه آموزشی مقدماتی است، تأکید شده است که یکی از اهداف اساسی در آموزش روان‌شناسی به دانشجویان مقطع کارشناسی شناساندن زمینه تاریخی روان‌شناسی است. کتابهای روان‌شناسی مقدماتی نباید روان‌شناسی را به گونه‌ای به دانشجویان معرفی نمایند که گویا این رشته علمی در «برج عاج» و جدای از یک زمینه تاریخی و شخصی تکامل یافته است. در سراسر این کتاب متوجه خواهید شد که زمینه تاریخی موضوعات به شیوه‌های مختلف مطرح شده است. مثلاً در فصل 8 موضوع سرشت - پرورش در خصوص هوش تا آثار فرانسویس گالتون در اوایل قرن بیستم دنبال شده است.

همچنین سعی شده است نشان داده شود که روان‌شناسی کوششی انسانی است که به وسیله افرادی به کار رفته است که هم بُعد هیجانی و عاطفی دارند و هم منطقی، و اینکه پیشرفت علمی هم مبتنی بر شانس و هم مبتنی بر محاسبه محض است. مثلاً در فصل 11 شرح داده شده است که چگونه برداشت آلفرد ادلر روان‌تحلیل‌گر از عقده کهنتری ممکن است ریشه در کودکی وی، که همراه با ناخوشی و مریض‌احوالی بود، داشته باشد.

6. ارائه چهره‌ای متوازن و علمی از روان‌شناسی

این کتاب صرفاً یک کتاب روان‌تحلیل‌گرانه، رفتاری‌نگر، شناختی‌نگر، انسانی‌نگر یا زیست‌روان‌شناختی نیست. این کتاب در واقع شمه‌ای از هر یک از دیدگاههای فوق را دربر دارد و بیانگر باور مؤلف است به اینکه یک کتاب درسی روان‌شناسی مقدماتی باید دیدگاههای مختلف را به دانشجویان معرفی نماید، نه اینکه فقط منعکس‌کننده دیدگاه مورد حمایت مؤلف باشد. در خلال دهه‌های گذشته، این دیدگاهها در زمان رونق و تسلط خود ظهور یافته و از بین رفته‌اند. دانشجویان در فصل اول با دیدگاههای روان‌شناختی عمده آشنا می‌شوند و در سراسر کتاب، به‌ویژه در فصل شخصیت، با این دیدگاهها مواجه می‌گردند.

برای آنکه دانشجویان روان‌شناسی را یک علم تلقی کنند، کتاب درسی مورد استفاده آنها باید عالمانه تدوین شده باشد. اگرچه در سراسر این کتاب از مثالهای عامیانه زیادی استفاده شده است، اما این مثالها جایگزین شواهد مطرح شده توسط پژوهش علمی نشده‌اند. فهرست منابعی که در پایان کتاب ارائه شده است بیانگر به روز بودن آن از نظر استفاده از نتایج مطالعات پژوهشی است، اما در عین حال نسبت به مطالعات و پژوهشهای کلاسیک نیز بی‌اعتنا نبوده است.

7. نشان دادن ارتباط روان‌شناسی با زندگی روزمره

من از کتابهایی لذت می‌برم که با تلطیف و ملموس نمودن مطالب جدی و سنگین، به من حس مؤلف بودن می‌دهند. مثالهایی را که برای نشان دادن ارتباط روان‌شناسی با زندگی روزمره استفاده می‌کنم این حالت ملموس بودن را القا می‌کنند. این مثالها عملاً مربوط به حوزه‌های مختلف زندگی روزمره، از جمله هنر، ادبیات، تاریخ، بیوگرافی، سرگرمی، ورزش، سیاست و زندگی دانشجویی‌اند. به جای نشان دادن ارتباط و تناسب روان‌شناسی از طریق منتزاع کردن آن در «بسته‌های مجزا»، سعی شده است مثالهایی همراه با شرح مطالب ارائه شود. مثلاً در فصل 7 روشهای تقویت حافظه و عاداتهای مطالعه شرح داده شده است.

تغییرات چاپ چهارم

پس از جمع‌بندی اظهارنظرهای خوانندگان و بررسی‌کنندگان کتاب، پی بردم که آنها چاپ سوم کتاب را دانشگاهی و چالش‌انگیز و در عین حال جالب و به‌خوبی نگارش یافته ارزیابی کرده بودند. آنها به‌ویژه توجه به زمینه تاریخی روان‌شناسی در کتاب را مورد تصدیق قرار داده بودند. به قول بسیاری از افراد، «سری که درد نمی‌کند به آن دستمال نمی‌بندند»؛ با وجود این، برخی تغییرات مهم در چاپ چهارم اعمال شده است. در درجه اول شرح برخی از جزئیات کاهش یافته است. در مواردی که قبلاً سه یا چهار مثال استفاده شده بود، تعداد آنها به یک یا دو مثال کاهش یافته است. اولویت‌بندی و مجمل نمودن مثالها به تمرکز توجه دانشجو بر نکات واقعاً مهم کمک می‌کند. بارزترین تغییر ایجاد شده، اضافه شدن ضمیمه اختصاص یافته به روان‌شناسی صنعتی / سازمانی است [این بخش از کتاب ترجمه نشده است - مترجم].

فراخوان نقد

با توجه به اینکه رسیدن به کتاب آرمانی محال، اما نزدیک شدن به آن امکان‌پذیر است، از نقدها و پیشنهادهای شما درباره این کتاب استقبال می‌کنم و آنها را مایه اصلاح اثر می‌دانم. همان‌طور که نقد اساتید و دانشجویان موجب بهبود چاپهای پیشین شد، پیشنهادهای افزون‌تر نیز به تعالی چاپ بعدی کمک می‌کند. لطفاً پاسخهای خود را به نشانی زیر ارسال کنید:

Les Sdorow
c/o Psychology Editor
McGraw-Hill College Division
699 Boylston Street
Boston, MA 02116

پیشگفتار مترجم

روان‌شناسی گذشته‌ای طولانی اما تاریخچه‌ای کوتاه دارد. اگرچه اندیشمندان از دیرباز و حتی از عصر یونان باستان به مباحث روان‌شناختی علاقه‌مند بوده‌اند، اما تا اواخر قرن نوزدهم روان‌شناسی رشته‌ای مستقل محسوب نمی‌شد (ابینگه‌اوس، 1850-1909، به نقل از بورینگ، 1950). رشد و ترقی روان‌شناسی به عنوان یک علم، به ویژه از اواخر قرن نوزدهم به مدد پیشرفتهایی که در سایر رشته‌های علمی صورت گرفته بود، چنان شتاب یافت که امروزه در عرصه‌های مختلف زندگی حضور دارد و با سایر شاخه‌های علم دارای پیوند نزدیک است. این رشته علمی نیز مانند سایر علوم به مرور زمان رشد و تکامل یافته است و مانند آنها از روشها و اصول تحقیق علمی استفاده می‌کند.

در ایران نیز اگرچه اندیشمندانی همچون ابن‌سینا به مباحث و موضوعات روان‌شناختی تحت عنوان «علم‌النفس» پرداخته و مطالعاتی نیز انجام داده‌اند، اما روان‌شناسی به عنوان یک علم تجربی در کشور ما نسبتاً نوپاست و سابقه آن تقریباً به دهه 40 شمسی و بعد از آن بازمی‌گردد که با تأسیس رشته‌های روان‌شناسی در دانشگاهها و تدوین و ترجمه جزوات و کتب روان‌شناسی، مسیر ترقی خود را در پیش گرفت.

کتاب حاضر که مبانی روان‌شناسی را به طور گسترده دربر دارد به عنوان منبع درس «روان‌شناسی عمومی 1 و 2» دانشجویان کارشناسی رشته روان‌شناسی (جمعاً 4 واحد) در نظر گرفته شده است. از آنجا که امکان تدریس هر فصل این اثر به صورت مستقل وجود دارد، اساتیدی که تدریس درس «مبانی روان‌شناسی» در سایر رشته‌های تحصیلی را برعهده دارند می‌توانند برحسب نیاز تعدادی از فصول را انتخاب کنند. ضمناً در خصوص چگونگی ترجمه کتاب به طور خلاصه به چند نکته ذیل اشاره می‌شود:

1. متن انگلیسی کتاب شامل 17 فصل و 2 ضمیمه است که 12 فصل آن ترجمه شده است.
2. به منظور اجتناب از افزایش حجم کتاب، در برخی موارد از بین چند مثال ارائه شده برای یک موضوع، برخی موارد حذف شده‌اند.
3. بخش پایانی هر فصل با عنوان «Thinking about Psychology» که شامل مطالب جانبی روان‌شناسی است و نیز شرح برخی از آزمایشها ترجمه نشده است.
4. برخی از مثالهای کتاب به دلیل مناسب نبودن برای خواننده فارسی‌زبان، به مثالهای ملموس‌تری تغییر یافته‌اند.
5. برخی توضیحات مربوط به اشخاص، فیلمها، یا رویدادهای تاریخی خاص فرهنگ مؤلف حذف شده‌اند.
6. اصطلاحات تخصصی کتاب با استفاده از منابع و فرهنگهای معتبر موجود معادل‌گذاری و برای برخی نیز معادل جدید وضع گردیده است.
7. منابع پایانی کتاب فقط منابع مربوط به فصلهای ترجمه شده است.

در خاتمه، لازم است از مدیران مختلف سازمان «سمت» که برای چاپ این اثر اهتمام ورزیدند تشکر و قدردانی نمایم. همچنین مراتب قدردانی خود را از استاد دانشمند سرکار خانم دکتر پریخ دادستان، مدیر محترم گروه روان‌شناسی «سمت»، که در مراحل مختلف ترجمه و آماده‌سازی کتاب از حمایت و راهنماییهای ارزنده‌شان برخوردار بوده‌ام ابراز می‌نمایم. در آماده‌سازی کتاب، دقت نظر و ویراستار محترم سرکار خانم مریم جابر و پی‌گیریهای کارشناس گروه روان‌شناسی، سرکار خانم زهرا گودرزی، و نیز تلاش مدیریت و کارکنان بخش تدوین نقش به‌سزایی داشته است که بدین وسیله از زحمات آنان تشکر می‌کنم. همچنین فرصت را مغتنم شمرده از پدر و مادر عزیزم به

خاطر زحماتشان و نیز همسر و فرزندانش به خاطر صبر و حمایتشان قدردانی می‌نمایم.
به رغم دقت به عمل آمده ممکن است در مراحل ترجمه و آماده‌سازی این اثر خطاهایی بروز کرده باشد که از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود بر اینجانب منت گذاشته و نظرات اصلاحی خود را به نشانی سازمان «سمت» و یا نشانی الکترونیکی مترجم (Jnsadeghy@Yahoo.com) ارسال فرمایند تا در چاپهای بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

جهانبخش صادقی

بهار 1384